

پایان

یک انتظار

من گیرد، پس کسانی که به او ایمان آورده و مقامش را ارج تهند و او را در اجرا و انجام رسالت پاری رسالتند و از نور آشکار (قرآن) که بر او نازل گردیده پیروی کنند، همانا آنان رسکتگرانند. و در موره شعراء آیات ۱۹۶ و ۱۹۷ من فرماید: «وَاللَّهُ لِنِي زَرَ الْأَوْلَيْنَ أَوْلَمْ يَكُنْ لَهُمْ إِلَّا أَنْ يَكُنُّ لَهُمْ غَلَوْنَ» پس اسرائیل».

- اوصاف قرآن و پیامبر حاتم در کتابهای آسمانی پیش آمده، آیا همین نشانه برای آنها کافی نیست که علمای بنی اسرائیل از آن به خوبی آگاهی دارند؟

و با چنین شناختی دقیق از آن پیامبر «ص» بود که یهودیان ساکن در جزیره العرب پیش از آمدن آن حضرت که مورد تجاوز و تهدی مشرکان قرار می گرفتند، به آنها احتفار می کردند که سرایهم با تلهور آن پیامبر، هما که جامعه مذهبی هستم و به او ایمان من آوریم، بر شما پیروز خواهیم شد، و فرقان کریم در این باره در موره بفره آیه ۸۹ من فرماید:

«وَكَانُوا مِنْ قَبْلِ بَشْفَحُونَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا فَلَمَّا جَاءَهُمْ مَا عَرَفُوا كَفَرُوا بِهِ» و پیش از اونوید فتح و پیروزی بر کافران من دادند پس چون پیامبر و کتابی که از قل من شناختند، برایش آمد، کفر ورزیدند.

چنانچه من بینم در آیات یادشده، سخن از مطرح بودن آئند پیامبر برای امتهای گذشته و شناخت کامل اوابا تمام مشخصات برای آنان است، گواینکه در تورات و انجیل کنوی عباراتی که به روشنی و صراحة، اشاره ای به وجود مقدس آن حضرت داشته باشد، دیده نمی شود؛ چرا که کتب یادشده از تحریف بر کار نمانده است و طبعی است کسانی که در زمان پیامبر خوش یه

تستیجه آنها را در ادامه میاره و جهاد مقدسی که برای اسلام «الله» در پیش داشتند، مقصمه تر و قاطع ترمی می شافت، و از منی زمینه پیغامبر هرگونه ادعای خاتیست و از برای فرستادن مطلبان از میان می برد، و از این دو آنچنان چهاره کامل و مشخص از شخصیت او برای امتهای پیشین، پیشنهاد و می و پیامبران به تهییر کشیده شد که به تغیر قرآن کریم «یعرفونه کمابغروفون اباهم» او را همچون فرزندان خویش می بشناسند، و در همین رابطه و مفهوم اغراض آیه ۱۵۷ من فرماید: «الَّذِينَ يَتَعَوَّنُونَ النَّسْنَ الْأَنْثَى الَّذِي يَجِدُونَ مِكْتُوبًا عَنْهُمْ فِي التُّورَاٰتِ وَالْإِنْجِيلِ بِأَنَّهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَمِنْهَا هُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيَحْلِلُ لَهُمُ الظَّبَابُ وَيَحْرُمُ عَلَيْهِمُ الْحَيَاةُ وَيَضُعُ عَنْهُمْ إِاصْرَهُ وَالْأَخْلَالُ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَهُزُزُوهُ وَنَصْرُوهُ وَالْبَعْوَا النُّورُ الَّذِي أَرْلَدَ مَعَهُ أَوْلَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ».

- آنها که پیامبر اتنی را پیروی می نمایند، مشخصات و ویژگی های او را در تورات و انجیل (کتابهای آسمانی پیشین) که در اختیار دارند می بینند، همانا آنان را به نیکیها و معروف دعوت می نمایند، همانا آنان را به نیکیها و معروف دعوت می نمایند و از زشتیها، پلیدیها و منکرات باز می دارند، و آنچه را پاکیزه و مطیع است حلال و نیافریدن همه پیامرانی بود که در طول تاریخ یکی پس از دیگری آمدند و پیاری از آنان در جریان مبارزه مستمرشان با قدرتی های طاغوتی به شهادت نائل گردیدند، و چنین بشارتی آنان و پیروانشان را به پیروزی نهانی اسلام و سرانجام شکست بار شرک و کفر جهانی، امید و اطمینان بیشتر می بخشد و در

پیشتری خواهد شد، تا آنچه که ممکن است آواز شهرت و شعاع شخصیت آنان از مرزهای جغرافیائی و بلکه از محدوده عصر زندگی اشان فراتر رفته و به چهاره همیشه و همه کس آشناشی جهانی تبدیل گردند، همانگونه که ما با چنین شخصیتی های که قرئها پیش از ما می زیسته و در مناطقی با فاصله فرسنگها از محل سکونت ها پسرمی بردند، آشناشی داریم و این چنین است که مردان میزگ رنگ جاودانگی یافته و تبا به مردم و زمان حیات خویش متعلق نیست، بلکه به کل خانواده بزرگ بشری تعلق پیدا نموده اند.

تاریخ از این قبیل مردان، فراوان بخود دیده است، ولی آنچه که کاملاً استثنای و می نظری است، شخصیت والا ای آسمانی است که قرئها قبل از میلادش، تولد یافته و در کتابهای آسمانی و در همان جامعه های مذهبی مطرح بوده است، چرا که اسلام به وجود میارک او تمایت و کمال می یافتد و بشارت به آمدن او به مفهوم پیروزی خط نبوت و نلاش مدادوم همه پیامرانی بود که در طول تاریخ یکی پس از دیگری آمدند و پیاری از آنان در جریان مبارزه مستمرشان با قدرتی های طاغوتی به شهادت نائل گردیدند، و چنین بشارتی آنان و پیروانشان را به پیروزی نهانی اسلام و سرانجام شکست بار شرک و کفر جهانی، امید و اطمینان بیشتر می بخشد و در

لهم ایه نایمه

لهذا...».

او شباھتی به کودکان تداشت، نمی‌گریست،
ید خلقی نمی‌کرد، چیزی را به دست چب
نمی‌گرفت و با دست راست می‌گرفت و چون به
مرز سخن گفتن رسیده به چیزی دست نمی‌زد مگر
اینکه «بسم الله» می‌گفت، دو برادر رضاعی اواز
خانه پیرون می‌شدند و از کنار پجه‌ها می‌گذشت،
هنگامی که محمد (ص) آنها را می‌دید، با ملاحظت
دست برادرانش را من گرفت و سپس به آنها
من گفت: ما برای این (بازی) آفریده نشده‌ایم.
و بی‌شک چنین رفتاری از کودکی خردسال که
برای النجاشی بزرگترین رسالت الهی در نظر گرفته شده
است، شگفت‌نیست.

چرا که از همان آغاز برای پیغمبریش این مسئولیت
خطیر تحت تربیت الهی فرار داشت، چنانچه امیر
مؤمنان علیه السلام می‌فرماید: «ولقد قرئ اللہ علی
صلی اللہ علیہ وآلہ وسے لَدُنْ آن کان فطیماً عظیمٰ فلیلٰ من
ملائکه پیشگوئی به طریق المکارم و محابیت اخلاقی العالم
لیلہ و نہارہ».

از آن هنگام که از شیر گرفته شد، خداوند
بزرگترین فرشته خویش را با او همراه ساخت که
شب و روز اور از طریق فراگیری اخلاق کریمه و
پسندیده جهان قرار دهد.

و امام باقر علیه السلام در این زمینه می‌فرماید:
«وَكُلَّ مَحْمَدَ مُلِكًا عظِيمًا مُنْدَفِعًا عن الرِّضا عَبْرَ شَدَّهِ
إِلَى الْخَيْرَاتِ وَمَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ وَيَصْدِهِ عَنِ الشَّرِّ وَمَا
الْأَخْلَاقِ».

خداوند برای حضرت محمد «صلی الله علیه
وآلہ وسے» فرشته ای عظیم را گذاشت از آن هنگام که از
شیر گرفته شد او را به امور خیر راهنمایی می‌کرد و
از بدی و اخلاق نایسنده و رزش باز می‌داشت.

امیر مؤمنان (ع) می‌گوید از رسول‌خدا علی الله
علیه وآلہ شیدم که فرمود: «ما هفتنت بشی و می‌کان
اهل الجاهلیة یعلمون به... حتی اکریمن الله بر ماله».

تا آن هنگام که خداوند به من افتخار رسالت
خویش را بخشید، هرگز آنچه مردم جاهلیت به
آن آلوهه بودند شنودم.

و طبیعی است که چنین انسانی شایستگی آن را
باید که دنیا را از آلوهگی ها و ناسایمانیها نجات
بخشیده و می‌لادش تولد نازه‌ای برای پیشرفت باشد.

و این چنین بود که تولد او در حقیقت می‌لاد تور
بود؛ نوری که برای زدایش ظلمت‌های ظلم و جهل و
نابسامانی از خانه عبدالله و آمنه، در سیده دم هفدهم
 ربیع الاول درخشید و به فرموده امام صادق
علیه السلام در آن سیده صحیح، کاخ‌های سفید فارس
و قصرهای شام را با درخشش خویش برای آمنه
آشکار ساخت، آن شب همچون همه شهای مکثر
طبیعت آنده بود تا جای خویش را مراجعت بروز
بسارد و سپس بدنبال آن آمد و شد، دیگر روزها و
شها تکرار و تکرار گردد، ولی از خانه آمنه در
صیendum ربع خورشیدی طالع شد که برای همیشه به
شام می‌باشد جاهلیت خاتمه یافشیده و به قرنه انتظار
تاریخ پایان دهد. از این روزها تولد او بیان کسری
لرزید و چهارده کنگره آن فتوح ریخت، دریاچه ساوه
خشکید، آشکده فارس که هزار سال مشتعل بود به
خاموشی گرانیده و بسیار در هر خانه و بستانه ای
وازگون گردیده، و بدین ترتیب می‌لاد مسعود آن
حضرت اعلام پایانی بود بر تمام نقاط ایکاء پیش از
بیت‌های پایانی قدرت و عبودیت و صنایع ماندی و
اقتصادی.

کم آینه من اجله ظهرت فسا

نطفس و زادت فسی الاقام ظهورا
چه بسا عالم و نشانه‌هایی به جمیت ولادت او
به ظهور پیوست، گریه او خود مخفی و ناشناخته
نیو و لیلی با این نشانه‌ها و آیات، جبلو و ظهورش
افزایش یافت.

تربیت الهی

رفارت پامیر (ص) از همان دوران خودسالی با
دیگر کودکان تفاوت داشت و همه چیز گواه برای
حقیقت بود که او کودکی محملی نیست. حلیمه
سعده دایه آن حضرت که به مدت چهار سال اخخار
شیر دادن و نگهداری این کودک نصب او گردیده
است مشاهدات خویش را در طول مدت شیر دادن
آن حضرت، چنین نقل می‌نماید: «لایشیه الغلام ول
یک فقط ولم بسیء خلله ولم بتساول بسارة و کان بتساول
بیسمیه فلما بلع المنطق لئم بمن شیشی
الا قال، «بسم الله»... کان اعواد من الرضا عیه بخرجان
فیمزان بالغلام معهم و اذا رآهـم محمد حصلی الله علیه وآلـه
احتنیم واحد بید اخوبیه ثم قال لهـما: انا لم نخلقـ

تحریف کلمات آسمانی دست می‌زندند و حتی از
تبديل لفظ «حطة» که تنها در خواست مفترض و
تمرزش از پیشگاه الهی بود، به «حطة» که به معنی
گندم است، ابانی نداشتند. که در آیه ۵۸ سوره بقره
آمده است. در دستکاری و تحریف در تعبیراتی که
وبله معرفی و شناخت پیامبر خاتم (ص) بوده و
موقعیت موجودشان را به خطیر می‌افکنده است،
انگریز قوی تری داشته باشد، ولی با اینهمه در
نورات و انجیل عباراتی یافت می‌شود که به آندن و
ظهور چنین پیامبری اشاره دارد.
ادب الممالک فراهایی، شاعر شیوا سخن
قاریس طی اشعاری در مورد بخشی از این
پیشگویی‌ها و بشارات چنین سروده است:
این است که ماسان به دست امیر خیرداد
جاما بس به روز سوم تیر خیرداد
بر بایک پرسنای در پیر خیرداد
بودا هستم خانه کشمیر خیرداد
محمدوم سرانیل به ماسعیر خیرداد
و آن کودک ناشسته لب از شیر خیرداد
ریتون گفتند، بوسیدند ایار

سیده دم ربیع
اگر هر انسان اندکی پیش از تولد حیاتش
آغاز و با مرگ پرونده زندگیش در دنیا بسته
من شود، پیامبر از این نظر نیز انسانی کاملاً استثنائی
بود، چرا که نور وجودش پیش از آفریدن آسمانها و
زمین و قبل از خلقت آدم آفریده شده بود. امام صادق
از پیش از خلقت آدم آفریده شده بود. امام صادق
روایت می‌نماید:

«ان الله تبارك و تعالى حلق نور محمد (ص) قبل ان
يخلق السموات والأرض والعرش والكرس واللوح والقلم
والجنة والغار وقبل ان يخلق آدم ونوحًا وابراهيم و
اسماعيل واسحق ويعقوب وموسى وعيسى وداود و
سلیمان.. وقبل ان يخلق الآباء كلهم...».

- خدای تبارک و تعالی نور محمد صلی الله علیه
وآلہ را پیش از خلقت آسمانها و زمین و عرش و
کرسی و لوح و قلم و بیهش و دوزخ و قبل از
آفریدن آدم و نوح و ابراهیم و اسماعیل و اسحق و
یعقوب و موسی و عیسی و داود و سلیمان.. و پیش از
خلقت همه پیامبران آفرید.